



بیانات در دیدار مسئولان نظام در ماه مبارک رمضان - 25 / خرداد / 1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز! از بیانات جناب آقای رئیس جمهور هم تشکر میکنیم، توضیحات مفصل و خوبی ارائه کردند. یکی از برکات این دیدار رضایی، بهره‌مندی از فضای معنوی ماه رمضان است. درست است که این جلسه یک جلسه استثنائی است؛ مسئولین مختلف، شخصیت‌های برجسته‌ی نظام، صاحبان مناصب و مسئولیتها از جناحهای مختلف، از سلاقی مختلف در اینجا تشریف دارند، فرصت گفتگو و بحث و تجدید دیدار و تبادل محبت و مانند اینها فراهم میشود - اینها برکات این جلسه است - لکن از همه‌ی اینها مهم‌تر همان نکته‌ای است که عرض شد؛ یعنی قرار گرفتن در فضای معنوی ماه مبارک. در فقرات دعای وارد شده‌ی برای روزهای ماه رمضان میخوانیم: وَ هَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ، وَ هَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ، وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ - «وَ انبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ» (۲) - وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَ هَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ. (۳) این ماه و این فضا، این خصوصیات را دارد.

توبه‌ی ما از کدام گناه است؟ خب، سرتاپای انسان و امثال بنده، گناه هستیم؛ لکن گناهان دوجورند: یک گناهی است که فقط به خود انسان ضربه وارد میکند، یک گناهی است که صدور آن از انسان به دیگران ضربه میزند. چیزی را که این دندان انسان مزق (۴) میکند و میخورد، گاهی یک چیز سختی است، خود دندان میشکند، به جای دیگری ضرر نمیرسد؛ [اما] گاهی انسان با این دندان غذایی را میخورد که کبد انسان را از کار می‌اندازد؛ کبد تقصیری نداشت، تقصیر این دندان بود، تقصیر این دهان بود. گناهان ما گاهی این‌جوری است. ما یک حرکتی را انجام میدهیم، یک سخنی را می‌گوییم، یک راهی را می‌رویم، [که] جامعه ضرر میکند، کشور ضرر میکند؛ این جور گناهان، گناهان مهمتی است، گناهان بزرگی است. فرمود: وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً. (۵) گاهی کسی ظلمی میکند، جزائی که خدای متعال برای آن ظلم قرار میدهد فراگیر است و جامعه را فرامیگیرد؛ از چنین ظلمی، از چنین فتنه‌ای باید پرهیز کرد. این خطاب به ما مسئولین است، آحاد مردم مخاطب به این خطاب نیستند؛ ما مسئولین هستیم که [هم] میتوانیم کاری بکنیم که زیان آن به جامعه برسد؛ هم میتوانیم عکسش عمل کنیم، کاری کنیم که نفع آن به جامعه برسد.

مرحوم علامه‌ی طباطبائی (رضوان الله علیه) در تفسیر این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نساء که «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» (۶) یک بیانی دارند؛ میفرمایند که جوامع بشری، جامعه‌ی کشور، یک جامعه‌ی خاص یک محدوده، یک هویت مستقلی دارد، یک هویت وحدانی دارد غیر از هویت افراد؛ یعنی جامعه‌ی یک کشور با یک نگاه مثل یک انسان واحد است؛ همچنان که در انسان واحد یک عضو ممکن است عملی انجام بدهد که بقیه‌ی اعضا را درگیر کند، در جامعه هم همین‌جور است، یک عضو ممکن است کاری بکند که همه را درگیر بکند. حوادثی برای جامعه پیش می‌آید، عده‌ای بی‌گناهند در آن حادثه؛ [پس] چطور میشود گفت که «مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»، ایشان میفرمایند نه، همین درست است، همین جا هم «فَمِنْ نَفْسِكَ» است، منتها نقس یک موجود وسیعی به نام جامعه است که یک جزئی از او گناهی کرده. خب، اگر بنا باشد که از چنین گناهی ما پرهیز



کنیم خیلی باید مراقب باشیم؛ احتیاج دارد به مراقبت، به دقت؛ این فضای ماه رمضان این را بایستی به ما تعلیم بدهد، این را بایستی به خودمان تلقین کنیم، واقعاً احساس مسئولیت کنیم، هر جا هستیم.

در همین دعای [روزهای] ماه رمضان چیزهای زیادی از خدا خواسته شده است؛ دعای خیلی خوبی است. اگر ان شاء الله توفیق باشد بخوانید این دعا را و دقت کنید، دعای عجیبی است، همین طور درخواستهایی که انسان به ذهنش هم خطور نمیکند، در این دعا امام به انسان یاد داده است - بنابر آنچه در این حدیث مآثور از امام (علیه السلام) است - که چه خواهیم از خدا؛ از جمله چیزهایی که خواستیم، نجات از این چند چیز است که حالا من عرض میکنم: نجات از بی انگیزگی و مرض بی انگیزگی، نجات از نبود نشاط کار - ببینید اینها چیزهایی است که به ذهن ماها نمیرسد که اینها بیماری است، اینها مرض است، باید از خدای متعال نجات از این مرضها و شفای از این مرضها را خواست - نجات از غفلت، نجات از سخت شدن دل؛ دل انسان سخت بشود، هم در مقابل ذکر الهی، هم در مقابل تضح مشفق؛ [وقتی] کسی به انسان نصیحت میکند و برای انسان خیرخواهی میکند، دل انسان سخت بشود. عبارات این است: وَ اَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ الثُّعَاسُ وَ الكَسَلُ وَ السُّأْمَةُ (احساس خستگی) وَ القَتْرَةُ (بی انگیزگی) وَ القَسْوَةُ (سخت دلی) وَ العَفْلَةُ (بی خیالی) وَ الغِرَّةُ (غرّه شدن به خود)؛ باید از اینها نجات پیدا کنیم؛ اینها را از خدا خواستیم.

خب، تأثیرات این گناهان - حالا این تعدادی از گناهان است، گناهان بزرگتر هم وجود دارد - در انسان چیست؟ یکی از تأثیرات این است که وقتی انسان مبتلا است به گناه، در یک نقطه حساس و بزنگاه کم می آورد. آیه قرآن میفرماید که: إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛ (۷) در جنگ احد، آن کسانی که نتوانستند طاقت بیاورند و دلشان در هوای غنیمت آن چنان تپید که فراموش کردند چه مسئولیت حساسی در اختیار آنها و برعهدهی آنها است و جنگ پیروز را به جنگ مغلوب تبدیل کردند، اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛ اینها قبلاً خطاهایی انجام دادند، آن خطاها اینجا خودش را نشان داد. این یک مرحله است؛ یعنی گناه ما موجب میشود که در یک نقطه حساس، در یک نقطه بزنگاه، نتوانیم تاب بیاوریم، نتوانیم مقاومت کنیم. خب، ما مسئول کشور هستیم؛ از این بنده حقیر گرفته تا مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوهی مقننه و همین طور سلسله مراتب مسئولیتها، همه مسئولیم؛ اگر چنانچه کاری بکنیم که نتیجه آن باشد که «إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ» و پایمان بلغزد و نتوانیم طاقت بیاوریم در آنجایی که باید تاب آورد و طاقت آورد، خطر بزرگی ما را تهدید میکند. این یک مرحله است.

مرحله بالاتر از این و بدتر از این، آن است که ما گاهی خطائی میکنیم، آن خطا موجب میشود که ما دچار نفاق بشویم؛ یعنی دلمان با زبانمان اختلاف پیدا کند. آیهی شریفه [میگوید]: فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَقُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ؛ (۸) [اگر] انسان با عهد خدایی در یک جا وفادار نماند و تعهدی را که پیش خدا کرده عمل نکند، این موجب میشود که «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ»؛ البته این یک سازوکار کاملاً منطقی هم دارد که حالا وقت نیست من شرح بدهم که چطور میشود یک گناه در یک انسان به نفاق منتهی میشود.

از این بالاتر، گاهی اوقات گناه ما و خطای ما و کج روی ما موجب میشود که - پناه بر خدا - به تکذیب ما انزل الله مبتلا بشویم؛ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّؤَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ. (۹) راه علاج هم مراقبت است؛ باید مراقبت کنیم؛ باید نظارت کنیم بر خودمان، بر مجموعه مان، انگیزه مان را افزایش بدهیم، کارمان را متراکم تر کنیم، پُرکاری،



پرهیز از لغزشگاه‌ها، خلاصه در یک جمله تقوا؛ تقوا. تقوا - که در ماه رمضان [به‌عنوان] فلسفه و غایت روزه شناخته شده - به همین معنا است. تقوا یعنی مراقبت از خویش؛ دائم باید مراقب خودمان باشیم. البته خطاب این حرفها در درجه‌ی اول به خود بنده است؛ همه‌مان مسئولیم؛ پس قدر ماه رمضان را بدانیم.

برادران عزیز، خواهران عزیز! قدر این ماه رضانی را که الان در آن هستیم، بدانیم. هزاران هزار ماه رمضان در طول تاریخ آمده و رفته؛ هزاران هزار ماه رمضان خواهد آمد که من و شما در آن ماه رمضان نیستیم؛ حالا در بین این میلیاردها ماه رمضان تاریخ، ما در چند ماه یا چند ده ماهش هستیم، توفیق به ما داده شده که حالا بیست ماه، سی ماه، پنجاه ماه، شصت ماه رمضان را از دوره‌ی تکلیف تا آخر عمرمان در بین این مجموعه‌ی ماه رمضان‌های تاریخ [حضور] داشته باشیم؛ خوب، همینها را قدر بدانیم. پارسال در همین ماه رمضان، کسانی بودند از دوستان ما و از نزدیکان ما که امسال نیستند. نمیدانیم سال دیگر کدام از ما خواهیم بود، کدام نخواهیم بود؛ این ماه رمضان را قدر بدانید. ماه استغفار است، ماه توبه است، ماه تذکر است، ماه توجه به خدای متعال است، ماه عبادت است، ماه گریه است، ماه دل‌بستن به معنویات است گفت:

بسا تیر و دی‌ماه و اردیبهشت
بیاید که ما خاک باشیم و خشت (۱۰)

راجع به مسائل کشور، بنده این‌جور مطلب را می‌خواهم عرض بکنم که ما در موقعیت حساسی هستیم؛ موقعیت فعلی کشور، موقعیت مهمی است. خوب، آقای رئیس‌جمهور اقدامات را بیان کردند؛ باید این اقدامات تعقیب بشود، دنبال بشود، ادامه پیدا بکند، آنجایی از آن که ناقص است کامل بشود؛ همه‌ی این اقدامات لازم است؛ دستگاه‌های دیگر کشور هم هرکدام لازم است اقداماتی انجام بدهند. وضع کشور فعلاً در یک وضعیت خاصی است؛ نه اینکه حالا در این ماه یا در این سال بالخصوص، [بلکه] در این برهه‌ی زمانی بالخصوص و در این مقطع زمانی. چرا؟ چون اولاً از یک طرف چشمها به ظرفیتهای بی‌پایان کشور باز شده. ما در اوایل انقلاب، از خیلی از ظرفیتهای کشور بی‌خبر بودیم، بی‌اطلاع بودیم، تجربه‌ای نداشتیم، آگاهی نداشتیم. امروز نماینده‌ی مجلس‌مان، وزیرمان، مسئولانمان، شخصیت‌های فکری کشور، سیاستمداران کشور، نسبت به این گستره‌ی عظیمی که کشور ما از لحاظ امکانات و ظرفیتهای دارد، آگاهی تازه‌ای پیدا کرده‌اند؛ واقع قضیه این است. [وقتی] من این مقالاتی را که بعضی از صاحب‌نظران مینویسند می‌خوانم، می‌بینم توجه به این واقعیتهای بحمدالله فراوان است. این از یک طرف که خوب این ظرفیت عظیم [وجود دارد]؛ کشور عظیمی است، کشور عجیبی است. من چند سال قبل اینجا گفتم، (۱۱) ما یک صدم جمعیت دنیا تقریباً جمعیت داریم، یک صدم وسعت دنیا هم تقریباً کشورمان وسعت دارد، اما امکاناتی که خدای متعال برای ما قرار داده، خیلی بیش از یک صدم است؛ بنده آن وقت گفتم سه صدم، چهار صدم؛ اخیراً یک گزارشی به من دادند که حدود شش هفت صدم [است]؛ یعنی ما شش هفت برابر متوسط ظرفیت دنیا ظرفیت داریم؛ هم از لحاظ جمعیت، هم از لحاظ نیروی انسانی، هم از لحاظ امکانات طبیعی. خوب، این یک طرف قضیه.

[از] یک طرف دیگر اینکه دشمن داریم؛ ما یک کشور بی‌دغدغه‌ی بی‌دشمن بی‌کمین گرفته نیستیم؛ ما دشمن داریم. البته دشمنی در کشورها، بین دولتها، بین قدرتها چیز جدیدی نیست لکن در مورد جمهوری اسلامی چرا، این یک چیز ویژه است؛ دشمنی ویژه‌ای است. چرا؟ علت چیست؟ علت این است که جمهوری اسلامی یک پدیده‌ای است که در دنیا سابقه ندارد؛ این را قدرتهای جهانی دارند بادقت نگاه میکنند. اینکه شما احتمالاً خواندید یا شنفتید که مثلاً در چند سال قبل از این، در فلان کشور دشمن ما، یک موسسه‌ی تحقیقاتی مخصوص تحقیق بر روی اسلام و



اسلام سیاسی تشکیل شد، این برای همین است که ببینند این پدیده چیست. یک نظامی به وجود آمده است بر پایه‌ی اسلام، بر پایه‌ی مبانی اسلامی که در این مبانی اسلامی ضدیت با استکبار هست، ضدیت با استبداد هست، ضدیت با ظلم هست، ضدیت با تبعیض هست، ضدیت با رباخواری هست، ضدیت با کارهایی که امروز قدرتها در دنیا میکنند هست. یک نظامی با این مبانی فکری و عملی به وجود آمده و این نظام روزه‌روز دارد رشد پیدا میکند و هر کار کرده‌اند نتوانسته‌اند متوقفش بکنند؛ روزه‌روز ریشه دوانده و نفوذش زیاد شده. حالا خود آنها داد میکشند که ایران در منطقه فاعل مطلق است و نفوذ ایران قابل قیاس با نفوذ هیچ کشور دیگری در منطقه نیست؛ این را آمریکایی‌ها میگویند، نه اینکه حالا بنده بگویم که بخواهم رجزخوانی کنم. خب یک چنین نظامی [است]؛ این، معنایش این است که امروز در سطح جهان یک قدرت جدیدی دارد سر برمی‌آورد و به وجود می‌آید که این قدرت، منافع ظالمانه‌ی قدرتهای مستکبر را به چالش میکشد. دشمنی با جمهوری اسلامی به‌خاطر این است؛ این دشمنی، دیگر با هیچ کشور دیگری نیست. بله، عرض کردیم که دولتها با همدیگر اختلاف دارند - اختلاف ارضی دارند، [اختلاف] مرزی دارند، منافع دارند، تجارت دارند - و با هم دشمنی میکنند اما این جور دشمنی، [فقط] مخصوص جمهوری اسلامی است. خب، پس ما از یک طرف آن ظرفیتهای را شناختیم، دانستیم، احصاء کردیم، از یک طرف هم یک دشمن خشن و عنودی در مقابل ما است.

کاری که این دشمن میخواهد بکند باید شناخته بشود تا ما بتوانیم برنامه‌ی اساسی و کئی خودمان را بشناسیم؛ این برنامه‌های دولتی و سیاستهای اجرائی، همه در دل آن برنامه‌های اصلی قرار میگیرد و معنا پیدا میکند؛ این را توجه بکنید. این کارها باید انجام بگیرد اما باید در دل آن نگاه کئی و نگاه کلان دیده بشود تا بتواند فایده‌ی خودش را برساند. ما باید بدانیم دشمن چه کار میخواهد بکند، نقشه‌اش در مقابل ما چیست و بر اساس این، نقشه‌های خودمان را برای مصونیت‌بخشی و امنیت‌بخشی و حفاظت و حراست در مقابل دشمن آماده کنیم.

من حالا در یک جمله‌ی کوتاه اگر بخواهم عرض کنم، برنامه‌ی دشمن این است که توانمندی‌های جمهوری اسلامی را متوقف کند؛ یا از بین ببرد یا اقلاً از رشد آنها جلوگیری کند؛ این برنامه‌ی دشمن است. ما باید چه کار کنیم؟ ما باید تا آنجا که میتوانیم توانمندی‌ها را افزایش بدهیم. بنده بارها در این جلسه و جلسات گوناگون دیگر در این چند سال تکرار کرده‌ام: باید کشور قدرتمند بشود؛ یعنی همین توانمندی‌های گوناگون را باید افزایش بدهد. اگر افزایش دادیم، آن وقت میتوانیم آسوده به مردم بگوییم «مردم! آسوده بخوابید» و خیال خودمان راحت باشد. اگر توانمندی‌ها را افزایش ندادیم، باید در اضطراب به سر ببریم.

حالا این توانمندی‌هایی که ما داریم چیست؟ بنده البته چند مورد از توانمندی‌هایی را که بیشتر آماج دشمنی‌ها است اینجا یادداشت کرده‌ام:

اول، ایمان اسلامی است؛ ایمان اسلامی. ممکن است بعضی تعجب کنند و بگویند آقا، امروز که دنیا، دنیای آزادی فکر و عقیده و مانند اینها است! نه آقا، بیش از همه چیز با آن اسلام نابی که امام (رضوان‌الله‌علیه) تعبیر کردند و مبنای حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی است، دشمنند. شما نگاه کنید به فعالیت‌هایی که امروز در دنیا میشود برای شکستن سدّ این ایمان در هرجا و بخصوص در نظام جمهوری اسلامی و در میان مردم. اگر شما اهل شبکه‌های اجتماعی هستید و اهل فضای مجازی هستید، خوب میفهمید و خوب میدانید که بنده کجا را دارم اشاره میکنم؛ از همه‌ی طرق دارند استفاده میکنند که ایمان اسلامی ما را متزلزل کنند. ما یعنی چه کسی؟ یعنی من پیرمرد هفتاد



هشتاد ساله؟ نه، نسبت به ماها خیلی نگران نیستند؛ ایمان نسل بعد ما را و نسل بعد بعد ما را [میخواهند متزلزل کنند]؛ دارد تلاش میشود. خب، یکی از آن زمینه‌های اقتدار ما و زمینه‌های توانمندی ما، ایمان اسلامی ما است؛ این یکی از آماج دشمنی‌های آنها است.

دوم، توانمندی علمی؛ حتی به ترور دانشمندان ما هم دست زدند، برنامه‌ریزی کردند؛ حتی از ابزارهای خباثت‌آمیزی که در همه‌ی دنیا ممنوع است، برای متوقف کردن حرکت علمی ما استفاده کردند. این استاکس‌نت (۱۲) که دو سه سال قبل از این فرستادند داخل تشکیلات سایبری جمهوری اسلامی، میتوانست تمام تشکیلات [هسته‌ای] ما را از بین ببرد؛ این کار، جنایت است؛ یعنی یک جنایت شناخته‌شده‌ی بین‌المللی است و میتوان گریبان صاحبان این جنایت را در دادگاه‌های بین‌المللی گرفت؛ متأسفانه ما نگرفتیم؛ تا اینجاها اینها دست زدند. با پیشرفت علمی که توانمندی علمی است، بشدت مخالفند. خب، فشار بر بخش هسته‌ای به نظر من یکی از عوامل عمده‌اش به‌خاطر این بود؛ اینکه مدام گفتند بمب اتم و بمب هسته‌ای، خودشان هم میدانستند که دروغ میگویند که حالا بعد راجع به مسئله‌ی هسته‌ای باز چند جمله‌ای خواهم گفت.

توانمندی اقتصادی که [بعد] بحث خواهم کرد. توانمندی دفاعی بازدارنده؛ با این هم بشدت مخالفند. کشور بایستی مثل قلعه‌ای باشد که دیوارش خراب شده، تا بتوانند هر کاری میخواهند بکنند. اگرچنانچه دستگاه‌های ما امکانات دفاعی داشته باشند، امکانات متقابل تهاجمی داشته باشند، مثل این است که یک حصار دور این قلعه [یعنی] کشور کشیده‌اند؛ با این مخالفند. این بحثهایی که راجع به موشک و مانند این حرفها میشود معنایش این است: مخالفت با توانمندی دفاعی.

توانمندی سیاسی ملی؛ یعنی وحدت و انسجام ملت. بارها عرض کرده‌ایم، اختلاف سلیقه‌ی سیاسی هیچ اشکالی ندارد، حب و بغض نسبت به زید و عمرو اشکالی ندارد، آنچه اشکال دارد این است که در درون مردم، اختلاف در مبانی حرکت اساسی و کلان کشور به وجود بیاید؛ این اشکال دارد، این را دست‌اندرکاران سیاسی و اجتماعی نباید بگذارند اتفاق بیفتد. امروز خوشبختانه این اتحاد وجود دارد؛ از اول انقلاب وجود داشته. نه اینکه انقلاب یا بیست و دوم بهمن دشمن ندارد، مخالف ندارد؛ چرا، مخالف هم دارد؛ اما قاطبه‌ی ملت و عمده‌ی ملت، به انقلاب و مظاهر انقلاب و نشانه‌های انقلاب و یادگارهای انقلاب علاقه‌مندند، به نام امام و یاد امام علاقه‌مندند؛ این نعمت خیلی بزرگی است؛ این همان توانمندی سیاسی است برای یک ملت.

توانمندی ناشی از جوانی جمعیتی؛ آنچه مورد غفلت قرار میگیرد. بنده چند سال است راجع به مسئله‌ی تحدید نسل و مانند اینها مرتب هشدار داده‌ام؛ (۱۳) خب خوشبختانه یک کارهایی انجام گرفته است، بعضی از مسئولین کارهای خوبی انجام داده‌اند، لکن نه، آن کاری که باید به‌طور کامل انجام بگیرد هنوز انجام نگرفته. امروز جمعیت جوان ما یک پدیده است، یک نعمت است؛ چون جوان، منشأ حرکت و چشمه‌ی جوشان انگیزه و حرکت و نشاط و ابتکار و نوآوری است، کار را جوان میکند، اگرچنانچه این [جوانی جمعیت] بیست سال دیگر از دست رفت - [چون] این جوان را که نمیشود وارد کرد - کشور ضرر خواهد کرد؛ از امروز نباید بگذاریم. این حرفهایی که گاهی شایع میشود - که البته بنده تحقیق زیادی نکرده‌ام و درست اطلاع ندارم - که بعضی از روشهای غلط گذشته هنوز ادامه دارد و اسقاط جنین یا امثال اینها در بعضی از جاها انجام میگیرد، اگر اینها راست است، این مسئولین دولتی مشخص، مسئول این کارند و باید دنبال بکنند. مسئله‌ی جوانی جمعیت یک توانمندی بسیار بزرگ و مهمی است.



خب پس دشمن هست، این توانمندی‌ها هم امروز هست و این توانمندی‌ها آماج حملات دشمن است. نتیجه چیست؟ نتیجه همین است که همیشه گفته‌ایم: باید دشمن را شناخت، شیوه‌های کار او را دانست، نقاطی را که او از آن نقاط حمله خواهد کرد باید شناخت و سد کرد. درست مثل جنگ نظامی؛ در جنگ نظامی اشخاص متخصص شناسایی میروند صحنه را شناسایی میکنند، دشمن را شناسایی میکنند، حدس میزنند یا میفهمند که دشمن این نیت را دارد و از اینجا حمله خواهد کرد، آنجا را میبندند. اهمیّت این جنگی که امروز در زمینه‌های مسائل سیاسی و اقتصادی وجود دارد، از جنگ نظامی بیشتر است، دامنه‌اش هم وسیع‌تر است؛ [لذا] باید نقاط نفوذ دشمن را شناخت؛ این وظیفه‌ی همگان است.

خب آنچه حالا ما باید عرض کنیم این است که دشمن کیست؟ ما گفتیم دشمن داریم؛ دشمن کیست؟ دشمن خودش را کاملاً لخت و عریان در مقابل چشم ما قرار داده؛ نیازی نداریم بگردیم دشمن را پیدا کنیم؛ دشمن، شبکه‌ی استکبار و شبکه‌ی صهیونیستی است؛ این دشمن است. شبکه‌ی استکبار در رأسش دولت رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است و شبکه‌ی صهیونیستی هم مظهرش رژیم جعلی صهیونیست حاکم بر فلسطین اشغال شده است؛ این دشمن است. پنهان هم نمیکنند. آمریکا دشمنی خودش را پنهان نمیکنند. حالا ممکن است رئیس جمهور آمریکا روز عید نوروز مثلاً سفره‌ی هفت سین هم پهن کند، اما هواپیمای مسافری را هم میزنند؛ در کنگره‌ی آمریکا همه‌ی آنچه را ممکن است علیه جمهوری اسلامی به کار برود تصویب میکنند و رئیس جمهور آمریکا هم همان را امضا میکند و اجرا میکند. مقام حرف و تعارف و گفتگو و لبخند دیپلماسی مقام دیگری است، غیر از مقام عمل است، حتی غیر از مقام اظهارات سیاسی است. شما الان ملاحظه کنید حرفهایی که رئیس جمهور آمریکا و وزیر خارجه‌ی آمریکا و مسئولین امنیتی آمریکا و وزیر جنگ آمریکا و مانند اینها نسبت به ایران میزنند، حرفهای دوست نیست، حرفهای دشمن است؛ آن هم دشمن عنود. صهیونیست‌ها هم که حسابشان روشن است. این دشمن است. آقای وزیر خارجه‌ی محترممان حرف خوبی در مجلس چند روز پیش زده بودند - که من البته در روزنامه‌ها خواندم - ایشان گفته بودند ذات آمریکا تغییر نکرده؛ راست میگویند، ذات آمریکا همان ذات دوره‌ی ریگان است؛ همان ذات است و تغییر نکرده؛ ذات دشمن است. بله، حزب هست - حزب دموکرات، حزب جمهوری خواه؛ این پاس میدهد به او، او پاس میدهد به این - لکن ذات آمریکا همان است. این حرف بسیار درستی است که ایشان در مجلس شورای اسلامی بیان کردند.

خب، یک تصوّر غلطی در اینجا وجود دارد و آن این است که «ما با آمریکا میتوانیم کنار بیاییم؛ با آمریکا کنار بیاییم و مشکلات را حل کنیم!» خب این تصوّر، تصوّر درستی نیست. ما نمیتوانیم به توهم تکیه کنیم، باید به واقعیتها تکیه کنیم. اولاً همان طور که گفتیم، از لحاظ منطقی، نظامی مثل جمهوری اسلامی ایران هرگز مورد محبت و ملاحظت نظامی مثل آمریکا قرار نمیگیرد؛ امکان ندارد. ثانیاً رفتارهایشان؛ از پنجاه سال پیش، شصت سال پیش، از بیست و هشتم مرداد، بعد از آن در دوران رژیم طاغوت، بعدش از اوّل انقلاب تا امروز، شما نگاه کنید ببینید رفتار آمریکا با ما چگونه بوده. در رژیم طاغوت، آمریکا به عنوان یک ثروت نگاه میکرد به رژیم پهلوی، در عین حال ضرباتی که در همان دوران از سوی آمریکا به ایران وارد شده ضربات کاری و مؤثری است که کسانی که با تاریخ آشنایند، با زندگی آن دوران آشنایند، کاملاً این را میفهمند و تصدیق میکنند؛ بعد از انقلاب هم که خب معلوم است؛ از روز اوّل شروع کردند به خباث و عناد و تا امروز هم ادامه دارد؛ [پس] بحث سوء تفاهم نیست. یک وقت بین دو دولت سوء تفاهم هست، خب با مذاکره حل میشود؛ یک وقت اختلاف سر یک منطقه‌ی ارضی است، مثلاً فرض کنید که این قسمت مرز این قدرش مال من است، این قدرش مال تو است، خب این را با مذاکره میتوانند حل کنند، پنجاه پنجاه



تمامش کنند؛ اینجا مسئله‌ی پنجاه پنجاه نیست؛ مسئله‌ی اصل موجودیت جمهوری اسلامی است و با مذاکره حل نمیشود، با رابطه حل نمیشود؛ این تصور، تصور درستی نیست. آنچه قدرت و استقلال و پیشرفت ناشی از اسلام و منطق با اسلام در دنیا به‌عنوان یک پدیده به وجود آورده، برای استکبار - مظهر استکبار، آمریکا است - قابل قبول نیست؛ این یک تصور غلطی است که ما خیال کنیم حالا میشود بنشینیم با آمریکایی‌ها، بگوییم آقا بیاید یک جوری با همدیگر مصالحه کنیم. مصالحه به این است که شما از حرفهای خودتان بگذرید.

من دو سه سال قبل از این در اوایل این قضیه‌ی مذاکرات هسته‌ای، (۱۴) گفتم آمریکایی‌ها از همین الان به ما بگویند اگر جمهوری اسلامی تا کجا عقب‌نشینی کند، آنها دیگر دشمنی نمیکنند؛ این را بگویند. اگر مسئله‌ی هسته‌ای حل شد، دیگر قضیه تمام است؟ خب حالا قضیه‌ی هسته‌ای حل شده، ببینید تمام است قضیه؟ قضیه‌ی موشکها پیش آمد؛ قضیه‌ی موشکها حل بشود، قضیه‌ی حقوق بشر است؛ قضیه‌ی حقوق بشر حل بشود، قضیه‌ی شورای نگهبان است؛ قضیه‌ی شورای نگهبان حل بشود، قضیه‌ی اصل رهبری و ولایت فقیه است؛ قضیه‌ی ولایت فقیه حل بشود، قضیه‌ی اصل قانون اساسی و حاکمیت اسلام است؛ اینها است، دعوا سر چیزهای جزئی نیست. بنابراین این تصور، تصور غلطی است.

با بنده زیاد صحبت شده و افرادی بوده‌اند از دوستانی که از روی عقیده و علاقه فکر میکردند که این کار میشود، در طول این سالها نشستیم و صحبت کردیم، [اما] بعد خود آنها اعتراف کردند - نه پیش من، [بلکه] در غیاب و در جلسات رسمی تصمیم‌گیر - که استدلالی که فلانی میکند جواب ندارد؛ راست هم میگویند؛ استدلالی که بنده در این زمینه میکنم جواب ندارد. در مورد ما که این جوری است، در مورد خیلی از کشورهای دیگر هم آمریکایی‌ها سر سازگاری ندارند. این را توجه داشته باشید و بدانید؛ سیاست اساسی آمریکا هضم قدرتها و سیاستهای دنیا در معده‌ی سیاستهای آمریکایی است، این مخصوص [ما نیست]. حالا ما از جهت دشمنی یک خصوصیتی داریم که با ما یک دشمنی خاصی وجود دارد اما حتی نسبت به کشورهای دیگر هم همین جور است. در زمینه‌ی سیاسی این جوری است، در زمینه‌ی اقتصادی این جوری است، در زمینه‌ی فرهنگی [هم] این جوری است. [الان] کمپانی‌های فیلم‌ساز اروپایی دادشان بلند است از تسلط هالیوود؛ سلطه‌ی فرهنگی. فرانسه که دیگر جمهوری اسلامی نیست. سیاست آمریکا این است. این حرف را بارها هم گفته‌اند، دائم هم میگویند، الان هم همین نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا، این دو نفر، (۱۵) با هم مسابقه گذاشته‌اند سر اینکه بگویند آمریکا آقای جهان است، سرور جهان است، همه‌کاره‌ی جهان است. قبل از اینها بوش پدر، آن وقتی که شوری از بین رفته بود، روی همان غرور و این حرفها گفت ما امروز قدرت منحصربه‌فرد دنیا هستیم، باید خودشان را با ما [هماهنگ کنند]، نظم جهانی را ما باید تعیین بکنیم؛ ببینید، سیاست این است. خب، این دشمن است دیگر، با این چه جور میشود کنار آمد؟

این را هم عرض بکنم: بعضی خیال میکنند دشمنی‌هایی که با ما میشود به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم، [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی میکنند؛ نه، این هم خیال غلطی است، تصور غلطی است. ما شروع‌کننده نبوده‌ایم. اول انقلاب آمریکایی‌هایی که دستگیر شده بودند، چند روزی نگه داشته شده بودند، امام فرمود با کمال مراقبت بروند به محل خودشان، سفارت خودشان؛ تا قبل از اینکه مسئله‌ی تسخیر سفارت پیش بیاید - که آن هم عواملی داشت، مقدماتی داشت - [آمریکایی‌ها] در کمال امنیت اینجا زندگی میکردند؛ راحت میرفتند، می‌آمدند؛ و البته بدجنسی میکردند. ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اول شروع کردند؛ با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران؛ شروع‌کننده آنها بودند. وانگهی فقط



آمریکا که نیست، کشورهای دیگر [هم هستند]؛ حالا مثلاً فرض بفرمایید جمهوری اسلامی نسبت به فرانسه چه ستیزه‌گری‌ای کرده؟ کشور فرانسه چون امام مدتی در آنجا بود، حتی مورد تمجید نیروهای انقلابی هم بود اما خب می‌بینید که چه کار میکنند. دیدید در قضیه‌ی هسته‌ای که فرانسوی‌ها نقش پلیس بد را اجرا کردند - البته مدیریت برنامه با آمریکایی‌ها بود، معلوم بود لکن در قضیه‌ی هسته‌ای بدترین موضع را فرانسوی‌ها [گرفتند] - ما با فرانسوی‌ها چه کار کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ حال یک کشور کوچکی مثل هلند مثلاً؛ در هر قضیه‌ای که شما نگاه کنید از قضایایی که پای جمهوری اسلامی به میان است، در آن لیست و فهرست دشمنها، یکی اش هلند است! حالا ما با هلند چه کار داشتیم؟ چه ستیزه‌گری‌ای؟ کشور کوچکی که در گوشه‌ی اروپا افتاده [است]. بحث این نیست که ما با آنها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم. مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ قضیه این نیست، قضیه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آنها دشمنی نکنند»؛ نه، انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است که حالا یک مقداری را شرح دادیم.

خب، حالا باید چه کار کنیم؟ کشور باید مصونیت پیدا کند؛ مسئولین کشور باید کشور را مصونیت بدهند. همه‌ی این کارهایی که در زمینه‌ی اقتصاد و مانند اینها دولت انجام داده یا بنا است انجام بدهد، احتیاج دارد به اینکه کشور مصونیت داشته باشد؛ چه کار کنیم این مصونیت به وجود بیاید، یا اگر هست افزایش پیدا کند؟ باید این توانمندی‌هایی را که اشاره کردم، افزایش بدهیم؛ این توانمندی‌ها باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند. این همانی است که در قرآن کریم [آمده]: *وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الحَیْلِ*. (۱۶) قوه، شامل همه‌ی اینها است؛ قوه فقط تفنگ و سلاح و مانند اینها نیست؛ قوه اعم است از قوه‌ی مادی و معنوی، از قوه‌ی اقتصادی و نظامی، از قوه‌ی علمی و اخلاقی. *اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ*؛ هرچه میتوانید قوه را زیاد کنید. خب این کاری است که بایستی انجام بدهیم؛ البته آن هم به عهده‌ی خود ماها است؛ یعنی کسی که باید این کار را انجام بدهد، ما مسئولین هستیم؛ مردم به تبع ما وارد میدان میشوند و کار میکنند. پس توانمندی‌ها را باید افزایش بدهیم. افزایش [شامل] اینها است: تقویت ایمان اسلامی؛ که این وظیفه‌ی دولت است، وظیفه‌ی حوزه‌های علمی است، وظیفه‌ی دستگاه‌های تبلیغی است، وظیفه‌ی وزارت ارشاد است، وظیفه‌ی سازمان تبلیغات اسلامی است؛ وظیفه‌ی اینها است. ایمان اسلامی را باید تقویت کنید. هرجایی که با جوانها ارتباط دارد؛ دانشگاه یا آموزش و پرورش. ایمان اسلامی یک وظیفه‌ی بزرگی است که متوجه به همه‌ی اینها است، بایستی انجام بدهند.

توانمندی علمی؛ این وظیفه‌ی وزارت علوم و وظیفه‌ی دستگاه‌های تحقیقاتی است. سعی کنند این دستگاه‌هایی که تقویت علم به عهده‌ی آنها است، خودشان را از حواشی جدا کنند؛ گاهی انسان یک حواشی‌ای در بعضی از این دستگاه‌ها مشاهده میکند. الان لابد آقایان مسئولان این بخشها همه حضور دارند، بشنوند: خودتان را از حواشی جدا کنید، پردازید به آن چیزی که اساس است؛ [یعنی] دستگاه تقویت علم. اقتصاد - حالا درباره‌ی اقتصاد چند جمله‌ای عرض میکنم، وقت هم دارد میگردد - و دفاع؛ همه‌ی دستگاه‌های ذی‌ربط مربوط به دفاع - وزارت دفاع، سازمان ارتش، سازمان سپاه - بایستی در زمینه‌ی مسائل دفاعی هرچه میتوانند تلاش کنند. مسئله‌ی جوانی هم که گفتیم؛ مسئله‌ی نسل جوان، به کارگیری جوانها، تقویت جوانهای پُرانگیزه. حالا بنده در سخنرانی مرقد امام (رضوان الله تعالی علیه) راجع به جوانهای مؤمن و انقلابی یک چند جمله‌ای گفتم؛ (۱۷) یک جنجالی راه انداختند در بیرون، به اصطلاح افشاگری کردند که فلانی، جوانهای انقلابی را تقویت میکند؛ این افشاگری نیست. اولاً چیز جدیدی نیست، بنده همیشه این کار را میکنم، باز هم خواهم کرد؛ ثانیاً پنهان نیست، آشکار است؛ بنده مکرر در مکرر



[حمایت کرده‌ام]؛ معلوم است، بنده به جوان انقلابی متدین ارادت دارم، این جوانهایی که در سطح کشور هستند؛ وظیفه‌ی ما است. ما نمیتوانیم از لحاظ ارزشی، یکسان بدانیم آن جوانی را که جوانی‌اش را، توانش را، نیرویش را، انگیزه‌اش را صرف اهداف عالی‌هی کشور میکند، با آن جوانی که دنبال شهوت‌رانی و اشرافی‌گری و مانند اینها است. بله، از لحاظ حقوق اجتماعی همه‌شان یکسانند اما از لحاظ ارزشی به‌هیچ‌وجه یکسان نیستند؛ آن جوانی که کار میکند، تلاش میکند، وقت خودش را، نیروی خودش را، گاهی اوقات پول ناچیز خودش را - که این را هم سراغ داریم - صرف هدفها میکند، صرف مجاهدت میکند، خوب معلوم است اینها یک‌جور نیستند. بنده از آنها همیشه حمایت کرده‌ام، بعد از این هم حمایت خواهم کرد.

خب حالا تذکرات. دو نکته را من میخواهم تذکر دهم: یکی مسئله‌ی اقتصاد است که خوشبختانه آقای دکتر روحانی خوب پرداختند به مسئله‌ی اقتصاد، بنده هم تذکراتی عرض میکنم؛ یکی [هم] مسئله‌ی برجام است.

در مسئله‌ی اقتصاد، ما مشکلاتی داریم؛ کشور الان در مسائل اقتصادی دچار مشکلات عمده‌ای است که امیدواریم حالا با برنامه‌های دولت و کارهایی که بنا است انجام بدهند، ان‌شاءالله این مشکلات برطرف بشود. عمده‌ی این مشکلات هم عبارت است از رکود و مسئله‌ی اشتغال، [یعنی] بیکاری؛ اینها مهم‌ترین‌ها است. ما باید به اینها برسیم، باید به اینها توجه بکنیم؛ یعنی مسئله‌ی رکود خیلی مهم است. اینها را بنده وقتی هم که نگاه میکنم - من در دولت قبل هم همین را گفتم - بیشتر از آنچه مربوط به تحریمها باشد، مربوط به مدیریتهای و سیاستها است؛ هم خوب و درستی باشد، تحریمها نه اینکه اثر ندارد، [ولی] اثرش بسیار کم خواهد بود؛ باید برنامه‌ها را منظم کرد، مرتب کرد، دقت کرد.

یکی از کارهایی که به‌طور مشخص مهم است در زمینه‌ی مسائل اقتصادی که هم مسئله‌ی رکود را میتواند تا حدود زیادی علاج کند و هم مسئله‌ی اشتغال را، پرداختن به صنایع کوچک و متوسط در بخش صنعت است. این صنعتی که شنیدم، یعنی در روزنامه خواندم که وزیر محترم صنایع هم در مجلس گفته است که وضع صنعت فاجعه‌بار است - شبیه این تعبیر حالا، تعبیر دقیق چه بوده من نمیدانم؛ شبیه اینکه مثلاً فاجعه است - این فاجعه بیشتر متوجه صنایع کوچک و متوسط است. احیاء صنایع کوچک و متوسط یکی از برنامه‌های اساسی دولت باید باشد؛ در اقتصاد مقاومتی این یکی از ارکان است. اینکه ظرفیتهای کارخانه‌ها چند برابر کارکرد آنها است یعنی خیلی زیر ظرفیت کار میکنند، این جزو مسائلی است که باید به آن توجه بشود.

یکی دیگر مسئله‌ی اولویتهای است؛ در تصمیم‌گیری‌هایی که ما در زمینه‌ی مسائل اقتصادی میکنیم، اولویتهای را باید در نظر بگیریم. گاهی یک کاری خیلی مهم است، خیلی لازم است اما [دارای] اولویت نیست؛ یعنی از آن کار لازم‌تری وجود دارد. این خیلی به نظر من مهم است. خوب، بنده تجربه‌ی دولت را [دارم]؛ هم خودم در دولت بوده‌ام، هم دولتهای متعدّد را دیده‌ام. وزرای محترم عزیزمان، هرکدام سعی میکنند کلّی جبرّ الثار الی قرصه؛ یعنی این آتشی که گذاشتیم تا نانهای را بپزند، هر قرص نانی مال یکی است؛ این آتش را هرکدام میکشند طرف نان خودش که آن را بپزند؛ البته تکلیفشان است؛ وظیفه‌شان همین است که از بخش خودش حمایت کنند؛ ما این را مذمت نمیکنیم. وزیر کشاورزی یک‌جور، وزیر صنایع یک‌جور، وزیر راه یک‌جور، وزیر نیرو یک‌جور، هرکدام سعی میکنند امکانات کشور را و بودجه‌های کشور را و منابع را طرف خودشان بکشاند؛ خوب، اینجا باید نگاه کرد دید اولویت کدام است. حالا فرض



کنیم که پولهای ما در بانک‌های بیگانه آزاد شد - که البته آزاد نشده، معلوم هم نیست کی آزاد خواهد شد، حالا [به آن مطلب] خواهیم رسید - بنا است صرف چه چیزی بکنیم؟ این خیلی مهم است. اولویتها را باید رعایت کرد. خوب، حالا من یک مثال بزنم، البته این مثال را به خود وزیر محترم هم به نظرم گفتم؛ فرض کنید ناوگان هوایی ما نوسازی بشود؛ خوب، خیلی کار مهم و لازمی است اما اولویت است؟ آیا این اولویت کشور است؟ فرض کنیم مثلاً سیصد هواپیما بخریم؛ این معلوم نیست اولویت باشد. این باید بررسی بشود؛ من نظر کارشناسی نمیدهم، من تذکر میدهم برای اینکه کار کارشناسی بشود؛ من تذکر میدهم که اولویتها باید رعایت بشود. این یکی از مسائل بسیار مهم است.

یک مسئله‌ی بسیار مهم، پرداختن به شرکتهای دانش‌بنیان است؛ این ما را پیش خواهد برد. شرکتهای دانش‌بنیان، هم علمند، هم اقتصادند. پرداختن به شرکتهای دانش‌بنیان یکی از اساسی‌ترین کارها است؛ این جزو اولویتها است و باید به این پرداخت. البته بعضی از شرکتهای دانش‌بنیان می‌آیند شکایت میکنند و گزارش میدهند به ما. مسئولین توجه کنند به این نکته.

یکی از کارهای مهمی که لازم است، جلوگیری از قراردادهای غیر لازم است. به من گزارش داده‌اند که ما بعد از قضیه‌ی هسته‌ای، حدود ۲.۵ میلیارد دلار قرارداد تثبیت‌شده‌ی امضا شده داریم؛ حالا مذاکرات، تفاهم و مانند اینها بیشتر از اینها است اما آنچه امضا شده طبق گزارشی که به من داده‌اند، حدود ۲.۵ میلیارد [دلار] است؛ من نگاه کردم، فرض کنید که راجع به انرژی خورشیدی است. اینها اولویت است؟

اگر چنانچه واقعاً منابعی وجود دارد - منابع خارجی وجود دارد یا فاینانس هست - بایستی ما ببینیم کجا اولویت دارد، اینها را آنجا مصرف کنیم؛ [اگر] کسی میخواهد بیاید سرمایه‌گذاری کند، بگوییم ما در این قسمت احتیاج داریم سرمایه‌گذاری بشود. این جور نباشد که هرچه او خواست [بشود]. این هم یک مسئله است.

یک مسئله‌ی مهم دیگر مسئله‌ی جلوگیری از واردات مضر است که بنده چند بار در این اواخر تکرار کرده‌ام؛ یعنی آن وارداتی که یا مشابه داخلی دارد یا اگر هم مشابه داخلی ندارد جزو نیازهای فعلی کشور یا جزو نیازهای درجه‌ی یک کشور نیست. مثلاً فرض بفرمایید ماشینهای آن چنانی یا خودروهای کدایی با سرعت آن چنانی چه نیازی است؟ میگویند بخش خصوصی می‌آورد؛ خوب، دولت میتواند با انواع روشهایی که دارند - تعرفه و غیر تعرفه - جلوی را بگیرد. منابع کشور - انواع فاینانس‌ها و پولهایی که آزاد میشود - نبایستی هدر برود. صنایع تعطیل شده، بخش اقتصاد دانش‌بنیان، بخش تبدیل ماشینهای فرسوده‌ی صنایع‌مان، اینها جزو اولویتها است.

بخش کشاورزی‌ای که ما را خودکفا میکند که خوب، خوشبختانه این گزارشی که امروز دادند، نشان میدهد که در این زمینه‌ها پیشرفت کرده‌ایم. من البته گزارشی نداشتم.

بخش نفت؛ خوب، تولید بالای نفت در فرهنگ نفت و فروش نفت و بازار نفت یک چیز مثبتی است. تولید را بالا ببریم، صادرات نفت را هم افزایش بدهیم، چیز خوبی است، کشور هم به آن احتیاج دارد؛ در این شکی نیست، منتها بهتر از آن، این است که ما نفت را دارای ارزش افزوده بکنیم. این نفتی که ما از چاه در می‌آوریم، میفرستیم بیرون، پولش را میگیریم، هیچ ارزش افزوده‌ای ندارد؛ روزبه‌روز هم نفت کم میشود. اگر بتوانیم ما این نفت را یا آن گاز را تبدیل کنیم به کالایی که دارای ارزش افزوده باشد برای کشور، این خوب است. سیاست را این قرار بدهید - به



موازات کارهایی که برای تولید نفت و فروش نفت و کارآمد شدن چاه‌های نفت و امثال اینها انجام میگیرد- که ما بتوانیم فرآورده تولید کنیم، فرآورده صادر کنیم، بنزین صادر کنیم. چرا ما باید بنزین وارد کنیم؟ یکی از چیزهایی که انسان گاهی وقتی فکر میکند، پیش خودش خجالت میکشد، وارد کردن بنزین است. جمهوری اسلامی با این همه نفت - که دائم پُزش را میدهیم پیش مردم و پیش دنیا که ما نفت و گازمان بر روی هم بزرگ‌ترین منبع نفت و گاز دنیا است که واقع قضیه همین است- آن وقت بنزین وارد کنیم، یا گازوئیل وارد کنیم! [باید] کاری کنیم که نیاز به واردات گازوئیل و بنزین نداشته باشیم؛ فرآورده تولید کنیم، فرآورده را صادر کنیم. یا در زمینه‌ی گاز، این صنایع پایین‌دستی پتروشیمی را فعال کنیم؛ خب، قسمتهای بالادستی‌اش خوشبختانه خوب است، کارهای خوبی انجام گرفته است اما قسمتهای پایین‌دستی را فعال کنیم؛ اشتغال به وجود بیاید، کار به وجود بیاید.

جلوگیری جدی از قاچاق با روشهای جهادی و انقلابی. مسئله‌ی قاچاق خیلی مسئله‌ی مهمی است و با شوخی شوخی و آهسته‌کاری و مانند اینها هم کاری پیش نمیرود؛ باید یک کار جهادی قاطع انقلابی کرد.

گفته میشود که اقتصاد مقاومتی که شما دائم تکرار میکنید، احتیاج دارد به منابع و ما منابع نداریم. بنده به نظرم میرسد که برای شروع حرکت اقتصاد مقاومتی میتوان تأمین منابع کرد. خوشبختانه حالا کارهای خوبی را شروع کرده‌اند.

گفته شده که مبالغ سپرده‌های ارزی و ریالی مردم در بانکهای کشور یک رقم سرسام‌آوری است؛ چون من اصل گزارش را ندیده‌ام و نقل کرده‌اند برای من، من رقم را نمیگویم که اشتباه در آن پیش نیاید، اما رقم خیلی سرسام‌آور بالایی است؛ خب، این منابع را باید ما هدایت کنیم. یکی از کارهای مربوط به دستگاه‌های اقتصادی دولت، هدایت منابع است به آن سمتی که مایل هستند، به آن سمتی که به مصلحت کشور میدانند؛ با انواع مشوقها و مانند اینها. این خیلی چیز مهمی است. البته مجلس هم باید کمک کند. بنابراین کارهای اساسی اقتصاد مقاومتی اینها است که باید انجام بگیرد؛ بایدهایی دارد، نبایدهایی دارد؛ بایدهایی را باید توجه داشت، نبایدهایش را هم باید توجه داشت؛ مجموع اینها میشود اقتصاد مقاومتی، که خب ان شاءالله امیدواریم که پیش برود.

خب از این قضیه بگذریم چون چیزی به غروب نمانده؛ مسئله‌ی برجام. برجام موافقانی دارد و مخالفانی؛ به نظر من، هم موافقان و هم مخالفان، هر دو در بیان نظرات خودشان مبالغه میکنند؛ اغراق‌گویی میکنند؛ هم موافقانی که از برجام تمجید میکنند سخنانشان اغراق‌گونه است، هم مخالفانی که انتقاد میکنند مبالغه میکنند و گاهی اغراق میکنند. به نظر من هیچ‌کدام جا ندارد.

بله، برجام یک نقاط مثبتی دارد، یک نقاط منفی‌ای دارد؛ یک محسّناتی دارد، یک معایبی دارد؛ محسّناتش همان چیزهایی است که ما را وادار کرد و ترغیب کرد که به این مذاکرات رو بیاوریم؛ البته میدانید این مذاکرات قبل از شروع دولت یازدهم آغاز شد که به خاطر همین مُرغبات (۱۸) بود؛ یعنی جنبه‌های محسّناتی به نظر انسان میرسید که البته همه‌ی آن محسّنات تأمین نشد، یعنی خیلی‌هایش تأمین نشد لکن حالا بالاخره یک محسّناتی بود و انسان حس میکرد که ممکن است این فواید وجود داشته باشد. شروع شد این مذاکرات؛ بعد هم که خب، زمان دولت جناب آقای روحانی طبعاً گسترش بیشتری و فعالیت بیشتری پیدا کرد؛ محسّنات اینها است.



معایب چیست؟ معایب همان چیزی است که همیشه از آن بیمناک بودیم و تکرار میکردیم و میگفتیم؛ میگفتیم: آقا، اینها بدعهدند، بدذاتند، دبه‌دربیار هستند، زیر قولشان میزنند، عمل نمیکنند؛ معایب هم اینها است. خلل و قرّجی وجود دارد در برجام که این معایب میتوانند خودشان را نشان بدهند و اگر این خلل و قرّج بسته میشد، البته معایب کمتر میشد یا منتفی میشد.

من آنچه راجع به برجام عرض میکنم، مطلقاً ناظر به این برادران عزیز ما که در مذاکرات شرکت داشتند نیست؛ اینها کار خودشان را کردند، سعی خودشان را کردند، واقعاً جدّو جهد کردند. خب ما شاهد بودیم و میدیدیم؛ رفتند، ماندند - به نظرم پارسال ماه رمضان بود که مدتی از ماه رمضان را اینها در آنجا بودند - خب، سختی داشت، واقعاً سختی داشت و زحمت کشیدند به آنها من [اشکال نمیکنم]. از کارشان ان شاء الله خدای متعال راضی باشد، ما هم دعایشان کردیم و دعایشان میکنیم؛ نگاه من به طرف مقابل است؛ به آن کسانی است که طرف مذاکره‌ی ما بودند.

اما در مورد خود برجام؛ خود سند - همان طور که عرض کردم - یک خلل و قرّجی دارد، یک زوایای پرابهامی دارد که اینها موجب شده است که دشمن بتواند سوءاستفاده کند، طرف مقابل بتواند از آنها سوءاستفاده کند. ما البته برجام را ابتدائاً نقض نخواهیم کرد؛ این را همه بدانند! ما نقض نمیکنیم برجام را لکن اگر طرف مقابل نقض کند که حالا همین طور این کسانی که نامزد ریاست جمهوری آمریکا شدند، مدام دارند تهدید میکنند که ما می‌آییم پاره میکنیم، نقض میکنیم، اینها اگر پاره کردند، ما آتش میزنیم. اینکه حالا نقض نمیکنیم، متکی است به دستور قرآن: اوفوا بالعهد؛ (۱۹) بالاخره یک معاهده‌ای است انجام داده‌ایم، نمیخواهیم معاهده را ما به هم بزنیم؛ و آنکه اگر آنها نقض کردند، ما هم نقض خواهیم کرد، این هم متکی است به آیه‌ی قرآن: وَ اِمَّا تَخَافُنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانذِرْ لَهُمْ عَلَى سَوَاءٍ؛ (۲۰) اگر آن طرف نقض کرد نقض کن. «فانذیر» یعنی پرتاب کن طرف خودش، رد کن. بنابراین ما تابع اصول قرآنی هستیم؛ هم در این طرف قضیه، هم در آن طرف قضیه.

خب وظیفه‌ی طرف مقابل این بود که تحریمها را برطرف کند، برطرف نکرده؛ تحریمها برطرف نشده. بخشی از تحریمها را اینها به یک نحوی برداشته‌اند، منتها در عمل برداشته نشده. خب میدانید آنچه محلّ بحث بود تحریمهای ثانویه بود. تحریمهای اولیه را اینها با کمال قدرت حفظ کردند و این بر روی تحریمهای ثانویه اثر میگذارد. من خواهش میکنم کسانی که دست‌اندرکارند توجه کنند، دقت کنند؛ مدام نگوییم تحریمها برداشته شده؛ نه، مسئله‌ی معامله‌ی بانکها حل نشده و بانکهای بزرگ معامله نمیکنند. آمریکایی‌ها میگویند آقا به ما چه! خب حرف خبثت‌آلودی است؛ چطور [میگویید] به ما چه! کار آنها است. آقای دکتر ظریف - نمیدانم اینجا در جلسه هستند یا نه - در صحبت با وزیر خارجه‌ی آمریکا به او میگویند که [مسئله‌ی] بانکها، بانکهای بزرگ و مانند اینها [حل نشده]؛ او میگوید خب بله، به ما که ربطی ندارد؛ فوراً ایشان میگویند چرا، شما اگر بخواهید میتوانید؛ شما مانعید یعنی وزارت خزانه‌داری آمریکا است که مانع است. بله، در زبان در جلسه‌ی بانکها طرف شرکت میکند، میگوید بله، با ایران اشکال ندارد معامله کنید، از طرف ما مانعی ندارد لکن در عمل و در بیانات دیگر، جوری حرف میزنند که او جرئت نکند. برای بانک چه بهتر که وارد معامله بشود با یک بازار هشتاد میلیونی مثل ایران؛ بانک که ابائی ندارد؛ مانع دارد و مانعش تهدید آمریکا است. آن مسئول دولتی آمریکا همین دو سه روز قبل از این گفت ما ایران را راحت نمیگذاریم، ما نمیگذاریم ایران احساس راحتی خیال کند؛ خب، وقتی این جور حرف میزنند، یک عضو عالی‌رتبه‌ی دولت آمریکا این جور حرف میزند، فلان بانک جرئت میکند بیاید معامله کند؟ بله، یک تعدادی بانکهای کوچک آمده‌اند، اما برای معاملات - برای قراردادهای، معاملات واقعی، سرمایه‌گذاریها - بانکهای بزرگ باید بیایند به میدان، و نیامده‌اند؛ معلوم هم نیست



کی بیایند. این از اشکالات بزرگ است. این طرف آمریکایی این گناه بزرگ را انجام داده، این تخلف بزرگ را کرده؛ نباید توجیه کنیم کار آمریکایی‌ها را. بله، بخشنامه میکنند اما بخشنامه فرق میکند با واقعیت.

قضیه‌ی بیمه‌ی نفت‌کش‌ها همین جور است. بیمه‌ی نفت‌کش‌ها یکی از چیزهای مهم در معاملات نفتی است. در یک سقف محدودی بیمه را قبول کردند اما ساختارهای بزرگ بیمه - [برای] مبالغ این نفتها که گاهی اوقات میلیاردی است - حاضر نشدند وارد بشوند، حاضر نشدند بیمه کنند و بیمه نمیکنند. علتش هم این است که در خود آن سازمانها و ساختارها، آمریکایی‌ها عضونند، حضور دارند و نمیگذارند. بنابراین آمریکایی‌ها به بخش مهمی از تعهداتشان عمل نکردند.

ما پیش‌پرداخت‌هایمان را همین‌طوری انجام دادیم؛ ما [غنی‌سازی] بیست درصد را تعطیل کردیم، قردو را تقریباً تعطیل کردیم؛ اراک را تعطیل کردیم، اینها پیش‌پرداخت‌های ما بوده، حالا باز توقع دارند. من الان اینجا عرض میکنم - اگر آقای دکتر صالحی (۲۱) حضور دارند- این توقعاتی را که آنها در زمینه‌ی الیاف کربن که در سانتریفیوژها به کار میرود، یا توقعاتی که در مورد اندازه‌گیری آن سیصد کیلو دارند مطلقاً قبول نکنید، زیر بار نروید. مدام افزون‌خواهی هم میکنند؛ حالا این همه پیش‌پرداخت ما داده‌ایم. به‌رحال طرف مقابل ما عمل نکرده.

امروز [اگر] ما هم بخواهیم درآمدهای نفتی‌مان را به دست بیاوریم کار دشواری است؛ هم دشوار است، هم هزینه‌دار است. پولهایی که در کشورهای دیگر داریم به ما داده نمیشود، نشده؛ یعنی حالا بعضی‌هایشان قول داده‌اند. آن‌طور که آقای رئیس‌جمهور به من گفتند، یک کشوری از این کشورها قول داده، منتها فقط یک کشور نیست، چند کشورند. ما پول داریم در بانک‌های اینها؛ منتها چون پولها به دلار است و مسئله‌ی دلار به آمریکا ارتباط پیدا میکند، نمیتوانند بدهند، کار قفل شده. خب این دشمنی آمریکا است؛ [مگر] دشمنی چیست؟ اینها عمل نکردند.

بنابراین آنچه من میخواهم عرض بکنم [این است]: صنعت هسته‌ای یک صنعت راهبردی برای کشور ما است؛ این صنعت باید باقی بماند، این صنعت بایست توسعه پیدا کند و نباید لطمه ببیند. بودن این صنعت، حتی در مصونیت بخشیدن و امنیت بخشیدن به کشور هم مؤثر است. قابلیت‌های عملیاتی صنعت هسته‌ای و سازمان هسته‌ای بایستی باقی بماند؛ نیروی انسانی‌اش باید محفوظ بماند؛ توانایی رسیدن به وضعیت قبل باید حفظ بشود که الان خوشبختانه این توانایی هست، این را من به شما بگویم: در ظرف کمتر از شش ماه میتوانند با همان آی آر یک - که همان ماشین‌های قدیمی است - برسانند کشور را به هجده هزار سو. همین الان این امکان در کمتر از شش ماه وجود دارد؛ یعنی طرف مقابل خیال نکند که دست ما بسته است. ما میتوانیم با قطعات آی آر چهار - که نسل پیشرفته‌ی دوّم و سوّم است - و تجهیزاتی که داریم در کمتر از یک‌سال ونیم به صد هزار سو برسیم؛ اینها امکاناتی است که امروز در سازمان انرژی هسته‌ای وجود دارد؛ از این امکانات استفاده کنند، طرف مقابل را متوقف کنند. اقدام عجولانه‌ای انجام نگیرد؛ در برابر کارشکنی‌های آمریکا هر کاری که میتوانند انجام بدهند که حالا خوشبختانه، هم وزیر خارجه‌ی محترم، هم رئیس‌جمهور محترم گفتند - هم اینجا گفتند، هم در مجلس و جاهای دیگر گفتند - که دنبال میکنند اینها را؛ باید به‌طور جدی دنبال کنند. توجه کنید که همین‌طور که معروف است «حق گرفتنی است»، آن هم از گرگی مثل آمریکا؛ باید از دهنش بیرون کشید؛ این جوری نیست که او بیاید دو دستی تقدیم کند. تا وقتی که حالا به‌طور کامل نقض نکرده‌اند ما هم نقض نمیکنیم لکن در مقابل خطاهای آنها و کارشکنی آنها، ما بایستی توانایی‌هایمان را حفظ کنیم.



این را هم عرض بکنم که ما با قدرت علمی و فتاوری خودمان بود که آنچه از آمریکایی‌ها توانستیم بکنیم در این قضیه، کندیم؛ یعنی اگر توانایی بیست درصد نبود، اگر توانایی ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته نبود، قطعاً نمیتوانستیم آنها را وادار کنیم به اینکه این چند هزار سانتریفیوژ را از ما قبول بکنند و بپذیرند و بهانه‌گیری نکنند؛ به‌خاطر آن اقتدار بود. این اقتدار اگر از بین برود، فشار آن طرف زیاد خواهد شد، هرچه این اقتدار بیشتر شد، قدرت این طرف برای فشار آوردن به طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ بنابراین این را باید حفظ کنیم.

[در این قضیه] هیئت نظارتی هم ما معین کردیم؛ بنده عرض بکنم که توقع من از هیئت نظارت این است که دقت بیشتری بکنند، مراقبت بیشتری بکنند و واقعاً هر نقطه‌ای را که احساس میکنند طرف مقابل در آن نقطه دارد خیانت میکند و بد عمل میکند، آنچه را وظیفه‌ی دفاع از منافع ملی است انجام بدهند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد آنچه را گفتیم، آنچه را خواستیم، آنچه را نیت کردیم و همت کردیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ به کرمات آن را از ما قبول کن؛ خدمتگزاران کشور را مشمول لطف و رحمت خودت قرار بده؛ امام بزرگوار ما، شهدای بزرگوار ما، ایثارگران عزیز ما را مشمول لطف و رحمت خود قرار بده.

والسلام علیکم ورحمةالله

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی مطالبی بیان کرد.
- ۲) سوره‌ی زمر، بخشی از آیه‌ی ۵۴: «و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد...»
- ۳) اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۹۰ (دعای روزهای ماه رمضان)
- ۴) تکه‌تکه کردن، ریزریز کردن
- ۵) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۵: «و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمیرسد، بترسید...»
- ۶) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۹: «هرچه از خوبی‌ها به تو میرسد از جانب خدا است؛ و آنچه از بدی به تو میرسد، از خود تو است...»
- ۷) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۵: «روزی که دو گروه [در احد] باهم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزانید...»
- ۸) سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۷: «در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند، در دل‌هایشان -تا روزی که او را دیدار می‌کنند- پیامدهای نفاق را باقی گذارد...»
- ۹) سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۱۰: «آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند...»
- ۱۰) بوستان سعدی، باب نهم (با اندکی تفاوت)
- ۱۱) از جمله، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها (۱۳۸۵/۷/۱۳)
- ۱۲) استاکس‌نت یک بدافزار رایانه‌ای است که برای خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سوی دشمنان طراحی شده است.
- ۱۳) از جمله، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۹۱/۵/۳)



- ۱۴) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار (۱۳۹۲/۸/۱۲)
- ۱۵) دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون
- ۱۶) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰
۱۳۹۵/۳/۱۴ (۱۷)
- ۱۸) رغبت‌ها
- ۱۹) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۳۴ : «... و به پیمان خود وفا کنید...»
- ۲۰) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۵۸ : «و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بپرداز...»
- ۲۱) دکتر علی‌اکبر صالحی (رئیس سازمان انرژی هسته‌ای)